

آب فکر می کرد

(دو زبانه)

سروده عاطفه گرگین

ترجمه نگلیسی

پرستو براتی



۱۳۹۹



سرشناسه	گرگین، عاطفه، ۱۳۲۴ -
عنوان و نام پدیدآور	آب فکر می‌کرد: سروده عاطفه گرگین/ عاطفه گرگین؛
مشخصات نشر	تهران: آفتابکاران، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری	۲۰۶ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	978-622-6677-10-3
وضعیت فهرست نویسی	فیپا
یادداشت	فارسی - انگلیسی.
یادداشت	چاپ قبلی به فارسی: نشر گردون، ۲۰۰۸ م. = ۱۳۸۷.
عنوان دیگر	سروده عاطفه گرگین.
موضوع	شعر فارسی - قرن ۱۴
موضوع	Persian poetry -- 20th century
شناسه افزوده	براتی، پرستو، ۱۳۶۵ - مترجم
رده بندی کنگره	PIR ۸۱۹۲
رده بندی دیویی	۸ فا ۱/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	۵۹۲۶۴۵۲

آب فکر می‌کرد

عاطفه گرگین

ترجمه انگلیسی پرستو براتی

- طرح جلد: کاوه بیگلو
- صفحه‌آرا: ابراهیم توکلی
- نوبت چاپ: اول
- سال چاپ: ۱۳۹۹
- لیتوگرافی: نگین
- چاپ: مهراب
- صحافی: تیرگان
- قیمت: ۳۲۰۰۰ تومان
- شمارگان: ۷۷۰ نسخه
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۷۷-۱۰-۳
- مدیر تولید: سید شهاب‌الدین ملاسعیدی

تهران - خیابان انقلاب - خیابان دانشگاه - خیابان لبافی‌نژاد - شماره ۱۷۲ - واحد اول ■ تلفن ۶۶۴۸۰۵۴۰

www.aftabkaranpub.com
info@aftabkaranpub.com

فهرست

۱۱.....	پیشگفتار مترجم
۱۳.....	از خود به زبان‌های دیگر سو
۱۸.....	نومیدار قدس
۲۳.....	زیبایی
۲۴.....	ماه اندیشه می‌نابد
۳۰.....	دوست دارم
۳۷.....	خمیازه
۳۸.....	و لبان من ترک می‌خورد
۴۶.....	آب فکر می‌کرد
۵۲.....	به سایه تو می‌پیچم
۵۵.....	خسته
۵۶.....	تو آغوشت پر از باران است
۵۸.....	باد دیوانه در تنم چرخ می‌زد
۶۵.....	تعارف
۶۶.....	انسانیت
۶۸.....	شب زیبا شد
۷۰.....	برگ
۷۲.....	می‌وزم
۷۳.....	باد
۷۴.....	شب بلند
۷۵.....	ماه
۷۶.....	گیسو
۷۷.....	فرو
۷۸.....	دریا

۷۹.....	پریشانی
۸۰.....	نگاه کن!
۸۱.....	شانه
۸۲.....	دیوانه
۸۳.....	پناه
۸۴.....	سکوت
۸۵.....	باغ
۸۶.....	سکفه
۸۷.....	سستی
۸۸.....	قبر
۸۹.....	غروب
۹۰.....	سرشار
۹۱.....	پوستم
۹۲.....	بارانی
۹۳.....	گیاهان
۹۴.....	می‌رویانم
۹۵.....	برخیزید
۹۶.....	خیس
۹۷.....	ستارگان
۹۸.....	باران
۹۹.....	سمفونی
۱۰۰.....	خیال
۱۰۱.....	تنفس
۱۰۲.....	نم
۱۰۳.....	خطاب
۱۰۴.....	گیسو
۱۰۵.....	عشق
۱۰۶.....	آب‌های خنده‌دار
۱۰۷.....	شقاوت
۱۰۸.....	عناصر
۱۰۹.....	به لب آمده

۱۱۰.....	پرسه.....
۱۱۲.....	پرواز.....
۱۱۴.....	صدای تو.....
۱۱۸.....	سبز بمانی.....
۱۱۹.....	می آید.....
۱۲۰.....	رقص.....
۱۲۲.....	خاک تشنه.....
۱۲۴.....	ای دوباره.....
۱۲۸.....	مرا به جانب تنت بیارای.....
۱۳۴.....	به در بگو.....
۱۳۸.....	باد ترکه می.....
۱۴۸.....	باد.....
۱۵۰.....	واژه‌های در آتش.....
۱۵۶.....	من یک زنم.....
۱۶۸.....	از جنوب زبانم.....
۱۷۰.....	چه هیاهویی!.....
۱۷۲.....	خمیازه‌های نگاهت.....
۱۷۴.....	تضاد.....
۱۷۶.....	تاب شبانه.....
۱۷۸.....	اولین جنس مشروع تاریخم.....
۱۸۲.....	در ایستگاه چشمانت.....
۱۸۷.....	دامون.....
۱۸۸.....	... و یک نگاه.....
۱۹۰.....	زندگی‌نامه.....
۲۰۲.....	فهرست به زبان انگلیسی.....
۱۹۹.....	پیش‌گفتار مترجم (انگلیسی).....
۱۹۷.....	یادداشت فؤاد نظیری (انگلیسی).....

پیشگفتار مترجم

ترجمه شعر اصلاً کار پیچیده‌ای است و البته گاهی اوقات نشدنی. پیچیده است چون زبان شعر مضامین تودرتویی دارد و نشدنی است زیرا در عین بومی بودن زبان یک شعر، ترجمه آن به سختی حس و مفهوم را به مخاطب منتقل می‌کند. ترجمه اشعار دفتر «آب فکر می‌کرد» از سروده‌های بانو عاطفه لرگیس شاعر معاصر میهنم، را وقتی آغاز کردم که بیش از هر زمان دیگری به آن نیاز داشتم چرا که پس از یک دهه دوری از وطن در تلاش برای یافتن جایگاهی بودم که اینک آن را خانه می‌نامم. روزهایی که در پی صلح و آتش بودم و این جستجو مرا مشتاق‌تر از هر زمانی به سوی همدلی فرزندان با شعر معاصر پارسی می‌کشاند، به سوی شعری که می‌توانست اشک شوق و اندوه را توأمان بر چشمانم بنشاند.

«نومیدوار قدیس من» روحم را به نغمه‌خوانی کشاند، چنان که وقتی می‌خواندمش تا واژگان و ساختاری مناسب زبان انگلیسی برای آن نیابم، رقص کلمات در ذهنم آغاز می‌شد و من نیز شانه‌به‌شانه آن‌ها به رقص و پایکوبی درمی‌آمدم. من و ابیات پرشور آن قطعه به همذات‌پنداری با یکدیگر در فراسوی زمان و مکان به حرکت درمی‌آمدیم. محدودیت‌ها را رها می‌کردیم و آن‌گاه یکی می‌شدیم. سرانجام میل و شوق من موجب آن شد تا این اشتیاق درونی را، که از زیبایی و لطافت شعر پارسی

سرچشمه می گرفت، با مردمانی دیگر، زبانی دیگر و فرهنگی دیگر صمیمانه به اشتراک بگذارم. اشعار بانو گرگین ریشه در زندگی خود شاعر و نیز مخاطبانش دارد، آنانی که با ژرفترین احساسات انسانی بیگانه نیستند و دل در گرو عشق به میهن و مردم خود دارند. در فرازهایی از این اشعار با تصویری سوررئال و فراواقعی از عشق روبه روییم و در قطعاتی دیگر شاعر ما را به میهن بی جامعه می برد و در دیگر ابیات به نیوشیدن قله های از زندگانی پرفرازونشیب مردمان این مرزوبوم دعوت می شویم.

ترجمه سر فرسی به زبانی دیگر، حفظ پیچیدگی ها، امانتداری و انتقال جوهر واقع آن نیازمند ممارست و درک مفهوم حقیقی و صیقل دادن آن چنین است که شاعر با آن زندگی کرده و آن را با جان و دل بر زبان آورده و این مهم مسئولیت مترجم را دوچندان می کند. کار ترجمه شعر به سفر با ترن هوایی شبیه است، که سرشار از موانع نفس گیر و همراه است با لحظات کوتاهی از کامیابی.

و، در پایان، حاصل کار همین است که در دست های شماست. جا دارد که از دوست مهربان و گرانقدرم جناب آقای فؤاد نظیری، شاعر و مترجم توانای کشورمان، برای مهر بی دریغ راهی های ارزشمندش صمیمانه تشکر کنم. تأیید و تشویق و نکته سنجی های بی تردید راهگشا و مغتنم بوده است.

دست براتی